یادداشت میهمان

ایران؛ قدرت بی‌رقیب منطقه

پس از جنگ ۱۲ روزه و مقابله ایران با تهاجم آشکار رژیم صهیونیستی و آمریکا به خاک کشورمان، اکنون به اذعان نظر کارشناسان و تحلیلگران سیاسی، امنیتی و نظامی جهان، جمهوری اسلامی ایران نیرویی «بی‌رقیب» در منطقه اســـت که نه تنها توان بازدارندگی نظامی خود را تثبیت کرده بلکه با پیشـــرفت‌های علمی، دارویی و فناوری، فشار اقتصادی و جنگ روانی دشمنان را خنثی ساخته است.

در این وضعیت، آمریکا و اروپا به‌عنوان پیشرانان زورگویی جهانی و رژیم کودک‌کُش اســـرائیل بار دیگر به دنبال برهم‌زدن این تعادل از طریق انتشـــار اخبار جنگ جدید و سخت دروغین هستند، اما ایران با شفافیت رسانه‌ای، حمایت‌های مردمی و نظامی، قدرت سایبری، تحت فرامین روشنگرانه رهبر حکیم انقلاب اسلامی ایران، نقشه جدید آنان را ناکام گذاشته است.

از زمان پایان رســـمی جنگ ۱۲ روزه (ژوئـــن ۲۰۲۵) میان ایران و اسرائیل، فضای منطقه‌ای به‌واسطه تحولات سیاسی، نظامی و رسانه‌ای وارد مرحله‌ای تازه- که بیشتر به جنگ روانی رسانه‌ای شباهت دارد تا جنگ سرد- شده است. اسرائیل همراه با حامیان بزرگش؛ آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، با تأکید بر «ضرورت حمله پیش‌دستانه» علیه ایران و طرح فشار اقتصادی و رسانه‌ای، می‌کوشد تا افتضاح ضربات سخت در جنگ ۱۲ روزه و معادله را به نفع خود تغییر دهد. در خبرهای این روزها می‌خوانیم که نخست‌وزیر اسرائیل گفته است: تهدید ایران جدی است و آنها در حال تسلیح شدن هستند، جنگ با جمهوری اسلامی تمام نشده است روزهای سختی در پیش داریم.

یا اینکه خبری از قول نیویورک تایمز منتشـــر شده که قصد القای بن‌بست خطرناک بر سر برنامه هسته‌ای ایران دارد که جنگ دیگری را با اسرائیل اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

تمامی موارد این‌گونه اخبار، هدفشان ایجاد جنگ روانی و فشار داخلی و جهانی برای ارعاب ایران در جهت بازدارندگی از دفاع مشروع و حقوق صحیح استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و برنامه‌های دفاعی و موشکی است. حال آنکه اگر اندکی احساس برتری می‌کردند همان‌طور که تاریخ نشان داده و به اثبات در کشورهای همجوار رژیم صهیونیستی دیده‌ایم، از هیچ اقدامی فروگذار نخواهند بود.

در مقابل، ایران با ســـخنان رهبر معظم انقلاب اســـلامی و مقامات بلندپایه، مسیر را روشن کرده که تسلیم شدن گزینه نیست؛ همان‌طور که ایشان فرموده‌اند: «این حرف برای دهان رئیس‌جمهور آمریکا خیلی بزرگ اســـت. ایرانِ با عظمت، ایرانِ با این تاریخ، ایرانِ با این فرهنگ، ایرانِ با این عزم پولادین ملّی، اســـمِ «تسلیم» برای یک چنین کشوری مایهٔ استهزاء کسانی است که ملّت ایران را می‌شناسند.»

یادداشـــت پیش‌رو به تحلیل قدرت ایران، فشار رسانه‌ای دشمن، پیشرفت داخلی و چشم‌انداز آینده می‌پردازد.

در بازه پس از جنگ ۱۲ روزه ایران نشان می‌دهد که توان بازدارندگی نظامی‌اش را ارتقاء داده است. حتی در یکی از پیام‌های رسمی، رهبر انقلاب بیان کرده‌اند: «در صورتی که تعرضی صورت بگیرد، هزینه دشمن قطعاً هزینه بالایی خواهد بود.»

این پیام در شرایطی مطرح شده که مقامات اسرائیل بارها از امکان حمله قریب‌الوقوع علیه ایران- با هدف ایجاد جنگ روانی و سرد- سخن گفته‌اند؛ ولی ایران با افزایش تولید ســـامانه‌های موشکی، پدافندی و بازدارندگی منطقه‌ای، به «ترسِ ابرقدرت‌های پوشالی» مبدل شده است. بـــرای نمونه، تهران با بهره‌گیری از همپیمانانِ منطقه‌ای، تقویت پدافند هوائی و سامانه‌های موشکی بالســـتیک، عملاً امکان حمله مستقیم یا نقطه‌ای علیه خود را دشوار ساخته است.

تحلیلگران نظامی معتقدند ایران با سرعت به بازسازی و ارتقاء توان خود ادامه می‌دهد. ایران نه فقط به «پاسخ» بسنده نکرده، بلکه بازدارندگی فعال را در روزهای آخر جنگ تاکنون بیش از پیش نشان داده است.

رژیم صهیونیستی و رســـانه‌های غربی وابسته تلاش کرده‌اند تا با بزرگنمایی مشکلات اقتصادی ایران، افزایش تورم، تحریم‌های گسترده، بی‌ثباتی معیشتی و بحران آب، فضای رسانه‌ای علیه کشور را رقم بزنند. برای مثال، خبری مبنی بر تلاش اسرائیل برای ایجاد آشوب داخلی در ایران به عنوان بخشی از «اهداف حربه فشار» منتشر شد اما جمهوری اسلامی ایران ضمن شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی بموقع، با انتشار پیام‌های مستقیم از سوی رهبر انقلاب، اطلاع‌رسانی دقیق درباره پیشرفت‌ها و بهره‌گیری از توان سایبری، زمینه موفقیت جنگ روانی را از دشمن گرفته است.

«فادی بودیه» نویسنده و تحلیلگر سیاسی می‌گوید: «هنگامی که [اسرائیل] تصمیم به رویارویی آشکار با ایران گرفت موشک‌های ایرانی سراسر اراضی اشغالی را درنوردیدند. ایران توانست اسرائیل را وادار کند تا به سوی آمریکا بدود و درخواست آتش‌بس کند. هدف اصلی اسرائیل و در درجه نخست آمریکا، تغییر و سرنگونی نظام در ایران است اما ناگهان مردم ایران حتی مخالفان، صاحبان آرای متفاوت و کسانی که اسرائیل در داخل ایران روی آنها حساب باز کرده بود همه و همه تحت لوای رهبری امام خامنه‌ای، نیروهای مسلح و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جمع شدند.»

بیانات رهبر معظم انقلاب به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی درخصوص سابقه دشمنی آمریکا با ملت ایران در بسیاری از رسانه‌های عرب زبان هم بازتاب یافت و برخی از این رسانه‌ها نوشتند: رهبری ایران بر لزوم قطع کامل پشـــتیبانی آمریکا از رژیم صهیونیستی و جمع‌آوری پایگاه‌های نظامی خود از منطقه برای گام اول نشان دادن حسن نیت در مذاکرات با ایران تاکید کردند.

از سوی دیگر، برخی کشـــورهای اروپایی که به‌عنوان «دنباله‌روی چشم و گوش بسته سردمداران مستکبر آمریکایی» در مسیر اسرائیل حرکت می‌کنند، مجبورند قدرت ایران را در منطقه به رسمیت بشناسند. ایران با این رویکرد، نه تنها میدان جنگ را محدود کرده، بلکه رسانه و اطلاع‌رسانی را به ابزار قدرت تبدیل کرده است.

با وجود فشـــارهای اقتصادی شـــدید ناشـــی از تحریم‌ها، تورم و خشکسالی، ایران نشان داده است که مسیر توسعه علمی، دارویی، فناوری و رفاهی را با جدیت دنبال می‌کند. ایران فقط به دفاع نمی‌اندیشد، بلکه به «قدرت مولد» تبدیل شده است.

این پیشرفت‌ها نه تنها اعتماد داخلی را تقویت کرده، بلکه توان ایران برای مقابله با فشار اقتصادی، تهدید نظامی و رسانه‌ای دشمن را نیز بالا برده است. بنابراین ایران در موقعیتی قرار گرفته که به جای واکنش صرفاً دفاعی، به بازدارندگی فعال و مشارکت اقتصادی و فناوری می‌اندیشد.

با توجه به روندهای کنونی، ایران وارد مرحله جدیدی شـــده است: افزون بر مقاومت، تثبیت و افزایش قدرت در برابر فشـــارهای جهانی و منطقه‌ای. اسرائیل و آمریکا دیگر نمی‌توانند به آسانی گزینه استفاده از زور یا تحریم‌های یکجانبه را علیه ایران اعمال کنند؛ چرا که ایران قدرت پاسخگویی و بازدارندگی کافی دارد.

هرگونه گزینه تهاجمی علیه ایران اکنون با هزینه بسیار بالا مواجه خواهد شد. ایران هم در پاسخ ضمن تأکید بر آمادگی، مسیر توسعه خود را تشدید کرده است.

در این دوره، کشورهای اروپایی نیز که تا پیش از این راهبرد «تبعیت کورکورانه از آمریکا و اسرائیل» را دنبال می‌کردند، مجبور خواهند شد وارد محاسبات جدید شده و تأثیر نقش ایران را به لحاظ منطقه‌ای بپذیرند. بدین ترتیب، مسیر آینده در خاورمیانه نه صرفاً صحنه جنگ، بلکه عرصه بازدارندگی، فناوری، رسانه و اقتصاد خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی پس از جنگ ۱۲ روزه، نه تنها در برابر تهدیدهای نظامی اسرائیل و آمریکا ایستاده است، بلکه با توسعه توان نظامی، فناوری و برنامه‌های توسعه معیشتی و رفاهی، مسیر تبدیل‌شدن به قدرت اثرگذار در منطقه را سرعت بخشیده است. آمریکا و اروپا که تا پیش از این زورگویانی در عرصه بین‌الملل محسوب می‌شدند، اکنون با چالشی جدید مواجه‌اند؛ چالشی که ایران با اتکا به اقتدار داخلی، شبکه منطقه‌ای و اطلاع‌رسانی شفاف بر آن فائق شده است.

رژیم صهیونیســـتی و حامیانش با عملیات روانی و فشار اقتصادی، به‌دنبال تضعیف ایران بودند، اما ایران با توان ســـایبری، رســـانه‌ای و بازدارندگی فعال، این تلاش‌ها را ناکام گذاشـــته است. اگرچه تهدیدها هنوز وجود دارند، اما ایران اکنـــون در موقعیتی قرار دارد که با قدرت پیشرو است.

در پایان باید گفت که «قدرت بی‌رقیب ایران در منطقه غرب آسیا» اکنون یک عامل بازدارنده جدی است و هرگونه اقدام تجاوزکارانه علیه آن، چه از سمت رژیم کودک‌کُش صهیونیستی، چه از سوی آمریکا و کشورهای دنباله‌روی اروپایی دارای هزینه‌ای بالا و پیامدی سنگین خواهد بود.

علی آبشناس

«اسلامی» در واکنش به پیش‌نویس قطعنامه شورای حکام: به مسیرمان ادامه می‌دهیم

رئیس ســـازمان انرژی اتمی پیش‌نویس قطعنامه ارائه‌شده به شورای حکام از سوی سه کشور اروپایی و آمریکا را اقدامی تکراری و با هدف فشـــار سیاسی خواند و گفت: هیچ قانونی را نقض نکردیم و به مسیر خود ادامه می‌دهیم.

محمد اســـلامی رئیس ســـازمان انرژی اتمی روز یکشـــنبه ۲۵ آبان‌ماه در حاشیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بین‌الملـــل تحت تهاجم، تجاوز و دفاع در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در جمع خبرنگاران گفـــت: حملـــه‌ای که به تأسیســـات هسته‌ای ایران صورت گرفت، بی‌سابقه بوده است.

معاون رئیس‌جمهـــور بیان کرد: امیـــدوار بودیم و امیدوار هســـتیم که کشورهای مختلف به این حقیقت بیشتر توجه کنند که استفاده سوئی که الان این کشورها از سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه آژانس انجام می‌دهند، شرایطی را به وجود می‌آورند که اجرای استاندارد دوگانـــه و قانون جنگل، بیش از پیش گسترش پیدا می‌کند و این باید متوقف شـــود. همه باید بـــه قوانین و مقررات آژانس پایبند باشـــیم. اســـلامی بیان کرد: آژانس یک اساسنامه کاملاً واضح و روشن دارد و وظیفه آن این است که کمک کند تا فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای در اختیار همه کشـــورها قرار بگیرد. نه‌تنها این اقدام را، بلکه از واژه تشویق، حمایت و پشـــتیبانی هم در اساسنامه آژانس یاد شـــده که این وظیفه را باید آژانس انجام بدهد.

رئیس سازمان انرژی اتمی درباره پیش‌نویس قطعنامه ارائه‌شده به نشست این هفته شـــورای حـــکام گفت: این قطعنامه‌ها تکراری است.

وی دربـــاره رایزنی‌ها با آژانس هم گفت: رایزنی‌ها با وزارت خارجه است.

معاون رئیس‌جمهـــور بیان کرد: این قطعنامه‌ها تکراری است و عملیات روانی و سیاســـی و فشار سیاسی آن هدف اســـت. همان مطالب تکراری و اتهامات سراسر دروغ و کذب است.

وی گفت: مگر اینها ۲۰ ســـال با ایـــران مذاکره کردند؟ مگر ۲۰ ســـال طول نکشید مذاکراتی که حاصلش شد برجام؟ مگر در برجام پرونده پی.ام.دی PMD بسته نشد؟ مگر رویه‌هایی را که ایران صد در صد اجرا کرد و بیشتر از همه زمان‌ها اعتمادسازی و یکطرفه انجام داد را مگر تجربه نکردند.

معاون رئیس‌جمهور بیان کرد: پس اینها بهانه است برای فشار به مردم و ما مسیر خود را ادامه می‌دهیم هیچ قانونی را نقض نکردیم. مطابق مقررات عمل کردیم و مطابق همان چارچوب کارمان را ادامه می‌دهیم.

اسلامی: با حمله به ایران، اعتبار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از بین رفت

اسلامی همچنین در گفت‌وگویی با حضور سعید خطیب‌زاده معاون وزیر امور خارجـــه و رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه به سؤالات مطرح شده پاسخ داد.

وی به مذاکراتی که به برجام منجر شد اشاره کرد و گفت: اتهامی سنگین دربـــاره برنامه هســـته‌ای ایران مطرح شـــد و ماحصل آن شـــده بود بیش از ۲۰ سال مذاکره و دولت‌های گوناگون این مذاکـــرات را انجام دادند و حاصل مذاکرات، سند برجام بود. در این توافق برجام شد که موارد اتهامی که در قالب پی‌ام دی مطرح بود بسته شود و آژانس هم گزارش داد.

اســـلامی بیان کرد: ایـــران همه تعهدات خود در برجـــام را انجام داد. وی گفت: آژانس هر ســـه ماه یک بار به شـــورای حکام و هر شش ماه یک بار به شـــورای امنیت گزارش می‌داد و نشـــان می‌داد که ایران به تعهداتش پایبند است. اسلامی با اشاره به حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران توسط رژیم صهیونیستی و آمریکا که تحت نظارت آژانس بود، اظهار داشت: حتی آژانس حاضر نشـــد این تجاوز را محکوم کند و حتی شورای امنیت هم محکوم نکرد.

رئیس ســـازمان انرژی اتمی بیان کرد: بازرسان آژانس هشت صبح روزی که حمله شـــد قرار بود از تأسیســـات هسته‌ای ایران بازدید کنند.

اسلامی همچنین گفت: مشخص اســـت که هدف آنها تأسیسات نظامی و بمب اتم نیســـت، هدف نابود کردن ظرفیت‌هایی اســـت که برای پیشرفت کشور ما مؤثر است. اولین جاهایی که اسرائیل حمله کرد کارخانه‌ای است که ســـوخت صفحه‌ای برای راکتور تهران تولید می‌کند که این راکتور تولیدکننده رادیودارو اســـت. وی افزود: اعتبار یک ســـازمان بین‌المللی (آژانس) را از بین بردند و فقط تأسیسات هسته‌ای ما را از بین نبردند. وی در پاســـخ به سؤالی بیان کرد: هر روز با این تهدید مواجهیم که به ایران حمله می‌شـــود. اسلامی با بیان اینکه این نخستین بار بود که به تأسیسات هسته‌ای حمله می‌شد، اظهار داشت: آژانس باید خودش را برای این شرایط تعریف کند.

معاون رئیس‌جمهور همچنین در پاسخ به ســـؤالی اظهار داشت: رابطه ما با آژانس دو بخش داشته است یک بخش پادمان و ان.پی.تی اســـت یک بخش توافق برجام.

وی در پاسخ به این سؤالی درباره طرح پیش‌نویس قطعنامه علیه ایران در نشست این هفته شورای حکام آژانس و سوءاستفاده برخی کشورهای اروپایی از شورای حکام اظهار داشت: اجازه ندهیم که از ظرفیت آژانس سوءاستفاده شود.

اسلامی درباره نیاز بیماران ایرانی به تولیدات ســـازمان انـــرژی اتمی و رادیوداروها خاطرنشـــان کرد: حدود دو میلیون نفر در داخل کشـــور از این تولیدات استفاده می‌کنند.

زلزله امنیتی در تل‌آویو

موساد پس از شاباک زیر فشار ضربات اطلاعاتی ایران فرو ریخت

بحران امنیتی در سرزمین‌های اشغالی وارد مرحله تازه‌ای شده اســـت؛ پس از فروپاشی شاباک، اکنون موســـاد نیز زیر فشـــار شکست‌های اطلاعاتی مقابل ایران و محور مقاومـــت دچار بی‌ثباتی بی‌سابقه شده و رسانه‌های اسرائیل از درگیری مســـتقیم نتانیاهو با ســـاختار امنیتی این رژیم خبر می‌دهند.

منابع رسانه‌ای رژیم صهیونیستی از تشدید بحران امنیتی در دستگاه‌های اطلاعاتی اســـرائیل خبـــر می‌دهند. به‌گفته خبرنگار شـــبکه «کان»، پس از آنکه شـــاباک با تغییرات گســـترده روبه‌رو شد، اکنون نوبت موساد رسیده و این ســـازمان «تا ســـال آینده عملاً بدون رئیس خواهد بود». این تحولات همزمان با تلاش‌های نتانیاهو برای در اختیـــار گرفتن کنترل کامل موســـاد عنوان شده است. پس از «دیوید بارنیا» موساد تا ســـال آینده رئیس نخواهد داشت.

تحلیلگـــران صهیونیســـتی این روند را نتیجه مســـتقیم شکست‌های پی‌درپی امنیتی و اطلاعاتی اســـرائیل در برابر ایران و محور مقاومت می‌دانند؛ شکست‌هایی که طی چند ماه گذشته به برکناری رئیس شاباک و اخراج رئیس موساد منجر شده اســـت. رسانه‌های اســـرائیل این وضعیت را «بی‌سابقه» توصیف کرده‌اند.

اعتراف بی‌سابقه یک مقام رسانه‌ای صهیونیست: ۳۵ سال برنامه‌ریزی در ۱۲ روز نابود شد

در ادامـــه بازتاب‌های شکســـت اطلاعاتی و نظامی رژیم صهیونیستی در جنـــگ ۱۲ روزه خـــرداد و تیـــر امسال، بن ســـبطی خبرنگار قدیمی صهیونیســـت و سخنگوی فارسی‌زبان پیشـــین این رژیم، در گفت‌وگو با یک مجری ضدانقـــلاب، به ابعـــاد واقعی فروپاشی اســـتراتژی اسرائیل اعتراف کرد.

او تأکیـــد کرده اســـت که «رژیم صهیونیســـتی و متحدانش ۳۵ ســـال بـــرای اجرای این حملـــه برنامه‌ریزی کرده بودنـــد» اما این پروژه در جریان رویارویی مستقیم ایران با محور غربی - صهیونی، در ۱۲ روز دود شد. به‌گفته تحلیلگران، افشاگری‌های اخیر عوامل رسانه‌ای رژیم نشان می‌دهد که شدت ضربـــات اطلاعاتی ایران بســـیار فراتر از ارزیابی‌هـــای قبلی بوده و ســـاختار امنیتی تل‌آویو را با بحرانی کم‌ســـابقه روبه‌رو کرده است.

خبر ویژه

نفوذ عمیق و چندلایه ایران در میان اتباع رژیم صهیونیستی

سرویس امنیتی رژیم صهیونیستی، یک تبعه دیگر این رژیم را به جاسوسی برای ایران متهم کرد.

دادستان‌های اسرائیل علیه مرد جوانی اعلام جرم کرده‌اند که گفته می‌شود اطلاعات مربوط به مراکز راهبردی اسرائیل، از جمله پایگاه‌های ارتش و نیروی هوایی، را در اختیار مأموران ایران قرار داده است. ادعا شده وی اطلاعات مورد نظر را از طریق دوست‌دخترش که در نیروی ذخیره ارتش خدمت می‌کرده، به دســـت آورده اســـت. شیمون ازرزار ۲۷ ساله، در ماه اکتبر گذشته همراه با دوستش، به ظن ارتکاب جرایم امنیتی بازداشت شده است. او در زمانی که دوستش در یکی از پایگاه‌های نیروی هوائی در حال انجام وظیفه در ارتش ذخیره بوده، اطلاعاتی را از او به دست آورده است. هر دو آنها ساکن شهر «کریات یام» در شمال حیفا هستند.

پلیس می‌گوید ازرزار، عکس‌ها و مختصات مکان‌های حساس در اسرائیل را منتقل کرده است. او بیش از یک سال با مأموران اطلاعاتی ایران در تماس بوده و در ازای انجام مأموریت‌های جاسوسی، وجوه دیجیتال دریافت می‌کرده است. دستگاه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی مدعی شدند این فرد اطلاعاتی شامل عکس‌ها، مختصات و داده‌های مربوط به تأسیسات حساس در سراسر اسرائیل را برای طرف ایرانی ارسال کرده است. این شهرک‌نشین به دستگاه‌های ایرانی پیشنهاد داده بود که می‌تواند اطلاعات بیشتری از پایگاه‌های نظامی ارائه دهد.

شاباک در جریان تحقیقات اعلام کرده که متهم در این فعالیت‌ها از یک همدست دیگر نیز کمک گرفته است؛ طبق گزارش‌ها، فرد دوم سرباز ذخیره نیروی هوائی ارتش اسرائیل بوده که هم‌اکنون تحت بازجویی قرار دارد.

رسانه‌های صهیونیستی از جمله رادیو ارتش می‌گویند از آغاز جنگ غزه تا کنون، دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل ده‌ها نفر از شهروندان خود را به ظن ارتباط یا همکاری با ایران بازداشت کرده‌اند.

تحلیلگران امنیتی اسرائیل، انتشار این پرونده را نشانه‌ای از نفوذ عمیق و چندلایه ایران در سطوح اجتماعی و نظامی اسرائیل دانسته‌اند؛ موضوعی که در هفته‌های اخیر در رســـانه‌های عبری نیز بازتاب گســـترده‌ای یافته و نگرانی از ضعف‌های ساختاری سامانه‌های اطلاعاتی تل‌آویو را تشدید کرده است.

یادآور می‌شود دو هفته قبل هم یک تبعه رژیم صهیونیستی به جاسوسی برای ایران متهم شد. یوسف عین‌الی، ۲۳ ساله، به اتهام جاسوسی ارسال عکس‌ها و اطلاعات هتل‌های منطقه بحرالمیت و مناطق توریستی اسرائیل به مامورانِ امنیتی ایران بازداشت شـــد. بنابر این گزارش‌ها، ماموران امنیتی ایران همچنین از عین‌الی خواســـته بودند اطلاعاتی را در مورد ایتامار بن گویر، وزیر امنیت ملی اسرائیل، کسب کند.

ماه گذشته نیز، پلیس و سازمان امنیت داخلی اسرائیل، اعلام کردند دو اسرائیلی که مظنون به جاسوسی برای ایران هستند، بازداشت شدند و کیفرخواستی علیه آنها آماده شده است. این دو نفر بخشی از ده‌ها اسرائیلی بودند که طی دو سال گذشته به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی بازداشت و محاکمه شده‌اند.

پیش‌تر نیز یعقوب پرل، شهروند دوتابعیتی آمریکایی- اسرائیلی، به جاسوسی برای تهران متهم شد. او متهم است که مقامات بلندپایه اسرائیلی از جمله هرتزی هالوی رئیس سابق ستاد ارتش، و بن‌گویر را تحت‌نظر قرار داده است. یک هفته پیش از آن نیز دادگاه منطقه‌ای اورشلیم الیملخ استرن، مرد ۲۲ ساله حریدی از بیت‌شمش را به جاسوسی برای ایران محکوم کرد.

رســـانه‌های صهیونیستی می‌گویند: ایران طی دو سال اخیر، از طریق شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه تلگرام، موفق شـــده تعدادی از اتباع اسرائیل را برای ماموریت‌های اطلاعاتی و حتی طرح‌های ترور جذب کند.

پیش از این، نشریه اکونومیست خبر داده بود: «جاسوسی برای ایران در اسرائیل در حال فراگیر شدن است. طی سال گذشته دست‌کم ۳۹ اسرائیلی به اتهام جاسوسی برای ایران از سوی سرویس امنیتی شاباک بازداشت شده‌اند.»

منابع رسانه‌ای صهیونیستی طی سال گذشته، از بیش از ۶۰۰ اقدام جاسوسی به نفع ایران از جمله جمع‌آوری اخبار از محیط‌های نظامی و امنیتی توسط شبکه‌های جاسوسی کشف شده خبر داده‌اند.

بازی منافقانه پس از یک سال کامجویی و ایجاد انحراف در دولت

استعفای یک عضو شورای اطلاع‌رسانی و واکنش‌های درون دولت، این ادراک را تقویت کرد که دولت دچار سردرگمی هویتی است و توان ایجاد انسجام ندارد.

این تحلیل را روزنامه شرق ذیل گزارشی با عنوان «پاستورِ هزارتکه» منتشر کرده و می‌نویسد: استعفای فیاض زاهد از شورای اطلاع‌رسانی دولت، نخستین ترک آشکار در تصویری است که دولت مسعود پزشکیان با عنوان «وفاق» از خود ساخته بود. در پی انتصاب اسماعیل سقاب‌اصفهانی، فیاض زاهد نوشت: «اسم این هرچه باشد، وفاق نیست؛ کج‌تابی است» و همین جملات کافی بود تا پرده از بحرانی برداشته شود که مدت‌ها زیر سطح آرام دولت پنهان مانده بود. اما این استعفا آغاز جدالی علنی را در تیم اطلاع‌رسانی دولت رقم زد. علی‌اصغر شفیعیان، مشاور معاونت اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، بلافاصله در واکنش، او را به «عدم همراهی با تصمیمات دولت» متهم کرد و نوشت: «شورا باید همدل و هماهنگ با دولت باشد، نه در مقام منتقد انتصابات رئیس‌جمهور». این برخورد میان دو عضو اصلی حلقه اطلاع‌رسانی دولت نشان داد آنچه دولت «وفاق» می‌نامند، در عمل چیزی جز شکاف‌های پنهان و اختلاف‌های هویتی نیســـت؛ اختلافی که نه‌فقط در بدنه سیاسی دولت، بلکه حتی در سطح نزدیک‌ترین افراد به رئیس‌جمهور نیز رسوخ کرده است.

این استعفا نشان داد وفاق حتی در درونی‌ترین حلقه دولت نیز دوام نیاورده است، چه رسد به فضای سیاسی بزرگ‌تر و نیازهای پیچیده کشور در این دوره. با گذشت بیش از ۴۷۰ روز از ورود پزشـــکیان به پاســـتور، تصویر روشـــن است؛ «وفاق» هرگز نتوانست به گفتمانی سیاسی تبدیل شود. تقریبا همه دولت‌ها، پیش از انتخابات یا در ماه‌های ابتدائی، چارچوبی نظری، مفهومی و اجتماعی ایجاد می‌کردند. دولت سازندگی از ترمیم ویرانی اقتصادی، دولت اصلاحات از توســـعه سیاسی و جامعه مدنی، دولت احمدی‌نژاد از عدالت‌محوری، دولت روحانی از اعتدال و عقلانیت و دولت رئیســـی از رویکرد تحول‌خواهانه سخن گفتند. اما دولت پزشکیان از همان آغاز فاقد این زیرساخت بود. «وفاق»، نه منشور داشت، نه چارچوب نظری، نه الگوی سیاست‌گذاری و نه حتی حدود و ثغور مشخص در سطح رفتارهای سیاسی، انتصابات و تصمیم‌سازی.

این ابهام باعث شـــد «وفاق» بدل به واژه‌ای توخالی شود؛ واژه‌ای که هرکسی آن را براساس برداشت شخصی خود تفسیر می‌کرد. اصلاح‌طلبان آن را «فرصت چرخش سیاســـی» می‌دانســـتند، اصولگرایان معتقد بودند «وفاق یعنی دوری از رادیکالیسم اصلاح‌طلبانـــه» و دولت در نهایت این مفهـــوم را به نوعی «مدارا با همه» تقلیل داد؛ مدارایی که دیر یا زود به بی‌جهتی مطلق انجامید. بیستم دی‌ماه ۱۴۰۳ نیز نتوانست برای دولت نقشی فراتر از تکرار شعار وفاق رقم بزند. در آن روز که محمدجواد ظریف به‌عنوان معاون راهبردی و برخی از چهره‌ها ازجمله محمدرضا جلایی‌پور کوشـــیدند با طراحی پنل‌ها، همایش‌ها و نشســـت‌های نمادین، برای این شعار پوششی از نظم مفهومی و ظاهری از گفتمان‌پردازی فراهم کنند؛ گویی می‌خواســـتند برای دکمه‌ای که هرگز کار نمی‌کرد، کت‌وشـــلواری رسمی و آراسته بدوزند. اما همان تلاش‌ها نیز نشان داد که وفاق همچنان در همان سطح ابتدائی باقی مانده و نتوانسته است از مرز یک ایده تبلیغاتی عبور کند

مشـــکل اصلی آن بود که وفاق از ابتدا فاقد بنیان معرفتی بود. هیچ اتاق فکر یا شورای نظری در دولت شکل نگرفت که بتواند این مفهوم را شرح دهد، آن را تبدیل به سیاست اجرائی کند یا حداقل فهم مشترکی نسبت به آن بسازد. در نتیجه، کابینه و بدنه مدیریتی دولت هرکدام برداشـــت متفاوتی از وفاق داشتند و این عدم انسجام، بســـتری شد برای شکل‌گیری «سیستم هزارجزیره» در ساختار دولت؛ وزارتخانه‌ها و نهادها هرکدام با مدیریت افرادی از طیف‌های مختلف و با رویکردهای متفاوت اداره می‌شدند و رئیس‌جمهور عملا در مرکز این شبکه جزیره‌ای قرار داشت بدون آنکه یک روایت یا دستورکار مشترک آنها را به هم پیوند دهد.

به این ترتیب، شـــعار وفاق شکســـت خـــورد؛ نه به این دلیل کـــه جامعه آن را نمی‌پذیرفت، بلکه به این دلیل که دولت نتوانست آن را تبدیل به زبان سیاست و ابزار تصمیم‌گیری کند. وفاق هرگز در سطح ساختار رسمی دولت رسوب نکرد، در کابینه معنا نیافت، در بدنه سیاســـی جریان‌های حامی دولت پذیرفته نشد و از همه مهم‌تر، نتوانست به راهنمایی برای تصمیمات مهم تبدیل شود.

استعفای اخیر و واکنش‌های درون دولت این ادراک را تقویت کرد که دولت دچار سردرگمی هویتی است و توان ایجاد انسجام ندارد. امروز سؤال اصلی این نیست که چرا زاهد استعفا داد؛ سؤال این است که چرا ساختاری که شعارش وفاق بود، نخستین شکاف را در خانه خود تجربه کرد. پاسخ روشن است؛ وفاق هرگز یک گفتمان نبود، یک شعار بود و شعارها اگر تبدیل به ساختار، نقشه راه و زبان سیاست نشوند، دیر یا زود فرومی‌ریزند. اســـتعفای اخیر نام این فروریختن است؛ نشانه‌ای که می‌گوید عصر «وفاق» پیش از آنکه آغاز شود، به پایان رسیده است.

روزنامه شرق در گزارش خود اشاره‌ای به این واقعیت‌ها نکرده که فرد مستعفی، به اعتبار سوابق بازداشت و محکومیت امنیتی، از ابتدا فاقد صلاحیت حضور در دولت جمهوری اســـلامی بوده اســـت؛ همچنان که فاقد صلاحیت اداری و سیاسی در این زمینه بود.

افراطیون مدعی اصلاحات با وجود قبضه بسیاری از مدیریت‌ها به ویژه مدیریت شـــرکت‌های بزرگ و معاونت‌ها در دولت، برنامه اپوزیسیون‌نمایی را به خاطر کارنامه منفی دولت در پیش گرفته‌اند و حال آن که بخش عمده عقبگردها و سوءمدیریت‌ها در دولت، حاصل نقشه راه انحرافی بوده که خود آنها پیش پای دولت در زمینه معطلی در مذاکرات با ترامپ، فرعی کردن مسائل اصلی و در اولویت قرار دادن مسائل فرعی و حواشی گذاشته‌اند. همچنین اپوزیسیون‌نمایی و تهدید به فشار، رفتار توام با بی‌صداقتی برای انداختن دولت در گرداب رادیکالیسم کور و عدم اصلاح انحرافات پدید آمده در یک سال گذشته ارزیابی می‌شود.

روایت وارونه حجاریان از دولت‌های توسعه‌گرا

عضو حزب منحله مشارکت ادعا کرد: حاکمیت نه خود از مجرای «دولت‌های هماهنگ» توانســـت گامی به سوی «تعالی» بردارد، و نه اجازه داد دولت‌های دارای پروژه توســـعه (ولو با قرائت‌های مختلف) امر «توســـعه» را پیش ببرند.

ســـعید حجاریان در مقاله‌ای نوشت: زمانی که درباره دولت و کارویژه‌های اصلی آن تأمل می‌کنیم، غالباً ذهن ما بر دو حوزه امنیت و اقتصاد متمرکز می‌شود. در پرتو این مسئله است که رهیافت‌های توسعه، امنیت ملی، تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی، و همچنین عدالت واجد معنا می‌شوند و نسبت به یکدیگر تقدم و تأخر پیدا می‌کنند.

اگر با هیئت حاکمه‌ای مواجه باشیم که ایستار خود را به‌درستی در هر یک از این مسائل مشخص کند، آنگاه می‌توان انتظار بازاندیشی در راهبردها، مسئولیت‌ها و نقش دولت را داشت. در غیر این صورت آنچه می‌بینیم غیبت دولت است و بس.

در نظام حکمرانی ما، پس از جنگ تحمیلی، گفتارهایی در حوزه توسعه مطرح شد. ولی از همان دوره نوعی سرگردانی منتهی به تضاد در الگوی توسعه کشور نمایان شد تا جایی که از یک‌سو، دولت‌های توسعه‌گرا (آقایان هاشمی، خاتمی و روحانی) با سدّ ستبر توسعه‌ستیزی روبه‌رو شدند و از سوی دیگر، دولت‌های توسعه‌ستیز (آقایان احمدی‌نژاد و رئیسی) اساساً دولت را از دولت‌بودگی خویش تهی کردند تا جایی که اساساً دولتی متصور نبود که بخواهد متکفل امر توسعه باشد.

حاکمیت نه خود از مجرای «دولت‌های هماهنگ» توانست گامی به سوی «تعالی» بردارد، و نه اجازه داد دولت‌های دارای پروژه توسعه، امر «توسعه» را پیش ببرند.

نتیجه آنکه مشـــاهده می‌کنیم دولت چهاردهم عملاً در امر توسعه سپر انداخته و در گفتارش صرفاً متکفل اجرای برنامه هفتم توســـعه شده است و در عمل، گرفتار روزمرگی اداره کشور. به دیگر سخن، گفتمانِ توسعه‌ستیزِ یوتوپیایی در سطح کلان باعث شد عینیت توسعه از بین برود و عرصه بر کاغذبازی‌هایِ سنجش‌ناپذیر در قالب اسناد بالادستی بر الگوی اداره امور عمومی کشور فراخ شود.

زنگ خطر اما زمانی به صدا درمی‌آید که دولت علاوه‌بر مسئولیت‌ناپذیری (ارادی یا قهری) در حوزه توسعه همه‌جانبه از ایفای کارویژه‌های اساسی خود بازبماند.

در زمان وفور درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، دور از ذهن نیست ستون مخارج کشور به شکلی بی‌ضابطه، طولانی و طولانی‌تر شود. چنان‌که هم در دوره پهلوی دوم و هم در ســـال‌های پس از انقلاب، خاصه در بازه ۱۳۸۴ تا ۱۳